

بنا

سخن سر دبیر

آزادی و امنیت در تقابل با یکدیگر

جنگ روایت‌ها به آبان ماه ۱۴۰۱ نیز رسید. آبان سال جاری، جولانگاه فریب‌خوردگان رسانه و خائنین وطن شد و بار دیگر فرزندان ایران قربانی خوی حیوانی مزدوران بی‌هویت شدند. حمله تروریستی به شاهچراغ دل هر ایرانی را به درد آورد. آسمانی شدن در حرم سعادت‌ی جانسوز بود. حضور داعش در ایران یعنی ناامنی. این ناامنی با شعار توخالی آزادی ایجاد شد. با شعار آزادی امنیت ایران را به تاراج بردند. اکنون این جماعت به حمایت‌های دروغین آمریکا دلخوش کرده‌اند. همان دولتی که دست‌های او آغشته به خون هزاران انسان پاک است، حالا با خون زنان و دختران ایرانی بازی می‌کند. زن آزاده، زنی است که امنیت را فدای غرایز نمی‌کند. زن آزاده، زنی است که برای خویشتن ارزش و احترام قائل است. زن آزاده، برهنگی را آزادی نمی‌داند. زن آزاده، آگاه است. چنین زنی هیچ‌گاه دست دوستی به آمریکا و هم‌پیمانان او نمی‌دهد. آنانی که داغ آغوش گرم پدر و مادر را بر دل آرتین گذاشتند. آرتین سرایدارن نمونه بارز بی‌رحمی آمریکا است. چرا مدعیان حقوق بشر از بازمانده خردسال شاه چراغ حمایت نکردند؟ چرا از آرشام، برادر او، سخنی نمی‌گویند؟ چگونه این دست‌های آلوده به خون بی‌گناهان یاریگر زنان ایران هستند؟ حمایت آمریکا از زنان ادعایی گراف و صرفاً برای ریختن خون‌های بیشتر و عقده‌گشایی از مقاومت ۴۳ ساله ایران در برابر ظلم‌های آمریکا است. آمریکا توان دیدن ایستادگی ملت ایران و پیشرفت روزافزون جوانان ایرانی را ندارد. به همین سبب است که ذهن جوان ما را از مسائل اصلی کشور به سمت موضوعاتی چون اختلاط در سلف، حجاب اجباری و غیره سوق می‌دهد. دستیابی جوانان ایرانی به درمان سرطان خون از طریق ژن‌درمانی، دستاورد ارزشمندی برای ایران است. این دستاورد در آبان امسال حاصل شد؛ اما روایت این پیشرفت چشمگیر به اندازه اغتشاشات بازتاب نداشت. این شگرد رسانه برای تخریب ایران و تزریق حال بد به مردم است. همین رسانه به دنبال احقاق حقوق زن در ایران است. حقوق و آزادی زن، یک بازی سیاسی برای سیاه جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران است. در این بازی، کسانی بازنده میدان هستند که حلقه به گوش رسانه‌اند.

رقیه خادم‌نیا



«ص ۳»

آی مردم، وطن گران قیمت است

این شماره از بی‌تعارف با افتخار تقدیم می‌شود به تمام شهدای شاهچراغ، ایذه و اصفهان که خون پاک ایشان بر زمین ریخت تا راه از بیراه شناخته شود.

قاب چهارم: ما
نسل به نسل در
کنارت هستیم



آی مردم، وطن گران قیمت است

شاهچراغ و تجلی شعار زن، زندگی، آزادی

● نرگس علینقیان، کارشناسی جامعه‌شناسی

خارجی که با شعار آزادی، سعی در هدایت پروژه خود داشتند، تمام تقصیرها را بر سر نظام و کسانی انداختند که حافظان این امنیت بوده‌اند. کسانی که در تمام این مدت در ظاهر داعیه‌دار شعار زن، زندگی، آزادی بودند در حمله تروریستی شاهچراغ به معنی کامل کلمه اهداف خود از این شعار را نشان دادند. آنان به خوبی نشان دادند که تنها آزادی را می‌پرستند که

سوریه شنیده بودیم. در ذهن ما شاید اینکه بچه‌ای را به رگبار گلوله ببندند، دور از تصور باشد. شاید ما آنقدر نسبت به دیگر کشورها در امنیت بوده‌ایم که چنین حادثه‌ای ما را به شوک فرو برده است و نمی‌توانیم آن را باور کنیم. دشمنان این خاک نیز وقتی موقعیت به وجود آمده را بررسی کردند، روی آوردند به همان سناریوی نخ‌نمای «کار خودشان است». منافقان داخلی و

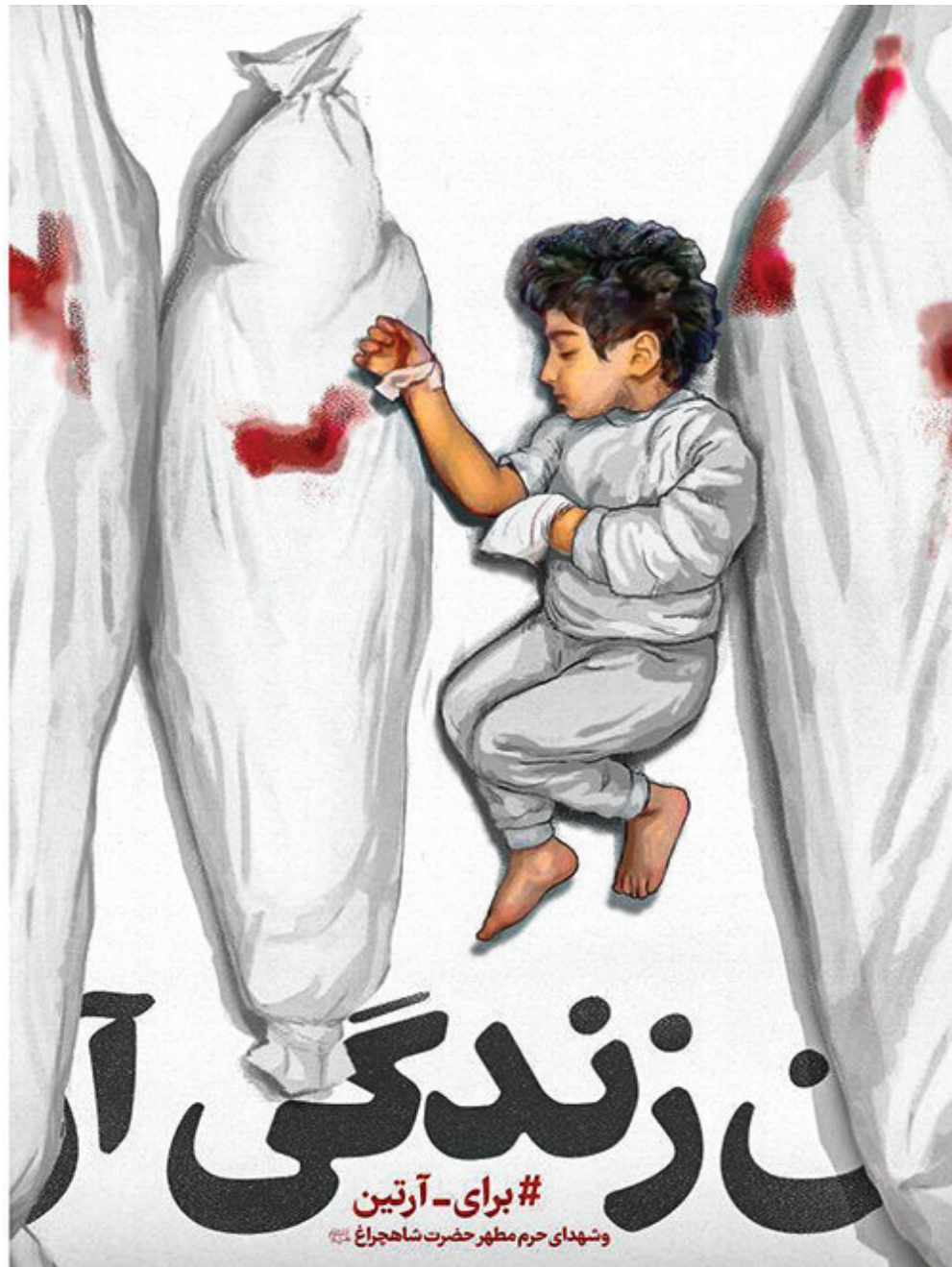
«امنیت» مفهومی که پس از پایان ۸ سال جنگ تحمیلی و مبارزه با منافقین داخلی، دریافتیم که باید خوب هوای آن را داشته باشیم. نه تنها ما که هرکس در جغرافیای خاورمیانه زیست می‌کند، به خوبی می‌داند که امنیت چه گوهر گرانبغری است و در هر سرزمینی یافت نمی‌شود.

در این میان دژخیمان بدسرشتی نیز وجود دارند که امنیت را با هر بهانه‌ای می‌خواهند به چالش کشیده و آن را از مردمان این دیار برابند. آنان به هر شکل و با سوءاستفاده از هر موقعیتی، سعی در برهم زدن آرامش ملت‌ها دارند تا به واسطه این آشوب‌ها، از آب گل‌آلودی که درست کرده‌اند، ماهی‌های خود را بگیرند.

عصر ۴ آبان ۱۴۰۱ بود. خانواده‌ها به رسم همیشگی به زیارت حرم حضرت شاهچراغ رفته بودند و شاید گمان آنها بر این بود که پس از زیارتی مختصر، به گردش شبانه با خانواده می‌روند؛ اما دریغ که دیوهای بدسرشتی که ایران ما را پرآشوب و فاقد امنیت می‌خواهند با سوءاستفاده از موقعیتی که برای آنها فراهم شده بود، بار دیگر ملت ما را عزادار هم‌میهنان خویش کردند. خدا می‌داند که آنان چند حمله تروریستی را برنامه‌ریزی کرده بودند که خنثی شد و سرانجام توانستند یکی را به سرانجام برسانند.

مدتی پس از انجام حمله، داعش مسئولیت آن را بر عهده گرفت. داعشی که ما تنها اسم و اعمال تروریستی آن را در





بیگانه ایستادگی کرده‌ایم و اجازه
ایجاد ناامنی به آنان نداده‌ایم.
در این راه جان‌هایی فدا شده‌اند
تا ذره‌ای از خاک میهن به تاراج
دشمن نرود. به قول شاعر:
به پاس هر وجب خاکی از این
ملک
چه بسیار است آن سرها که
رفته
ز مستی بر سر هر قطعه زین
خاک
خدا داند چه افسرها که رفته

نتیجه آن بی‌خانمان شدن
خانواده‌ها و ورود داعش شد. با
وقوع حوادث اخیر، به یاد آن
زن سوریه‌ای می‌افتم که پس از
۷ سال جنگ داخلی گفت: «آی
مردم، وطن گران‌قیمت است».
حال من به تو می‌گویم ای
هم‌وطنم، آنان که خود را به
ظاهر دلسوز ایران می‌دانند در
حقیقت جز نابودی وطن و ایران
چیزی در اندیشه خبیث آنها
نمی‌گنجد. ما مردمی بوده‌ایم که
در تمام اعصار تاریخی در مقابل

متناسب با عقاید آنان باشد. در
غیر این صورت هر کس که
مخالف تفکر داعشی آنان باشد
را به تیر گلوله می‌بندند. نتیجه
شعارهای پوشالی شد یتیم
شدن کودکان و از دست دادن
فرزندان. برای دشمن خارجی
فرقی ندارد که ایران باشد یا
سوریه. امپریالیسم جهانی هر
ملتی را که نتواند به زانو درآورد
با جنگ و آشوب‌های داخلی به
نقطه سقوط می‌رساند. پروژه‌ای
که در سوریه پیاده کردند و

شریک دزد و رفیق قافله

برده‌برداری از جنایات آمریکا و حمایت دروغین از زنان ایرانی

فاطمه زمانی، کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی

ثمر نرساند. خبر منتشر شده از سایت رهبری، گویای به بازی گرفتن خون دختران ایرانی توسط دولت آمریکا است. «زینب عصام دختر عراقی است که هم زمان با فوت خانم مهسا امینی در ایران، در منطقه ابوغریب در غرب بغداد به ضرب گلوله نظامیان آمریکایی به شهادت رسید. زینب، دختری ۱۵ ساله بود که در مزرعه پدر خویش توسط گلوله‌ای سرگردان که نظامیان آمریکایی شلیک کرده بودند، جان خود را از دست داد؛ اما زینب عصام نامی ناآشنا حتی در داخل عراق است. با وجود اینکه شماری از مسئولان و فعالان حقوق بشری در عراق این جنایت نظامیان آمریکا در به قتل رساندن زینب عصام را محکوم کردند و هشتگی با مضمون «#آمریکا_زینب_را_کشت» در شبکه‌های اجتماعی در عراق ترند شد، در رسانه‌های عربی، غربی و محافل حقوق بشری وابسته به سازمان ملل اشاره‌ای به نحوه جان باختن این دختر عراقی نشد و امپراتوری رسانه‌های جهانی تحت نظر آمریکا با همان سیاست‌های همیشگی نظام سلطه به گزینش اخبار پرداختند تا دوباره اثبات شود که حقوق بشر برای آنها جایی معنا دارد که تامین‌کننده منافع ارباب آمریکایی آنها باشد.» امروز دشمنان قسم‌خورده ملت ایران، سیاستمداران آمریکا، با کمال ریاکاری و بی‌شرمی می‌گویند ما طرفدار ملت ایرانیم! ما ایران را آزاد خواهیم کرد، در تریبون‌های خویش فریاد آزادی سر می‌دهند و خود را مدافع زنان و مردم ایران می‌نامند. از قول اینها در خبرها و در فضای مجازی و جاهای دیگر شاهد هستید. می‌گویند: «ما طرفدار ملت ایرانیم.» خوب این ادعا



دهد؟ در تمام سال‌های انقلاب اسلامی و حتی پیش از انقلاب نیز جز ریختن خون بی‌گناهان سودی برای ایران نداشته است. دولتی که سال‌هاست برای نابودی جمهوری اسلامی ایران دندان تیز کرده و از هیچ خیابانی دریغ نمی‌ورزد، چگونه طرفدار حقوق زنان شده است؟ با زنان و کودکان سوری، افغانستانی، یمنی و غیره چه کرد؟ جز خفه کردن صدای دادخواهی آنان و دروغ‌پراکنی در رسانه‌ها کار دیگری به

در روزهای اخیر بار دیگر آمریکا در لباس حامی دلسوز در مقابل دوربین‌ها حمایت تمام عیار خود را از زنان ایرانی معترض اعلام کرد. آمریکا بازیکر حاذقی است که می‌تواند در عین ضربه زدن به رقیب خود از او حمایت نیز کند. دولت فریبکار آمریکا که به فرموده رهبر در تمام حوادثی که برای ایران عزیز رقم خورده است مستقیم و غیرمستقیم نقش داشته است، چگونه می‌تواند ندای حمایت در جهان سر

آنها حتی به دوست دار خویش، دکتر مصدق، نیز رحم نکردند و از پشت به او خنجر زدند. بدین ترتیب در بیشتر حوادث ضد ایرانی و مشکلات کشور ردپای آمریکا دیده می‌شود. هیچ‌گاه ذره‌ای از دشمنی خود نکاسته و همواره سعی در دشمنی با ملت ایران و تضعیف کشور داشته است. توبهٔ چنین گرگی جز مرگ نیست. امروز آنهایی که با او هم‌صدا هستند و هیزم در آتش فتنه می‌ریزند بدانند که در خون انسان‌های بی‌گناه و بی‌پناهی که طی این چند روز در خاک و خون غلتیدند و شهید شدند، شریک‌اند و در دنیا و آخرت به‌سزای اعمال خواهند رسید.

شد، حبس میلیاردها دلار از پول ملت ایران در بانک‌های سراسر دنیا. به قول رهبری: «شما آمریکایی‌ها سردار رشید ما را به صریحاً اعلام کردید که کشتید؛ کشتید و به آن افتخار کردید. گفتید دستور دادید. شهید سلیمانی صرفاً قهرمان ملی نبود. قهرمان منطقه بود. نقش شهید سلیمانی در رفع مشکلات چند کشور در منطقه نقش عظیم و بی‌همتایی بود.» طراحی جنگ‌های ترکیبی و حمایت از فتنه‌گری‌ها و امروز هم پروژهٔ ویران‌سازی ایران با الگوگیری از تجربهٔ کثیف خویش در سوریه، عراق، لیبی و افغانستان. این است کارنامهٔ شیطان‌صفتان در طول این چند دهه در مقابل ملت مظلوم ایران. آمریکای امروز تفاوتی با آمریکای دیروز ندارد.

به‌شدت بی‌شرمانه است. سؤال من از آمریکایی‌ها این است که شما در این چهار دهه‌ای که از انقلاب گذشته، چه کار می‌توانستید علیه ملت ایران بکنید که نکرديد؟ حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب، حمایت از کودتای شهید نوژه در همدان، حمایت از تروریسم کور منافقین و به شهادت رساندن چند هزار نفر در ایلام و کردستان و تهران، حمایت تسلیحاتی، اطلاعاتی و... از صدام وحشی، سرنگونی هواپیما در خلیج فارس و به شهادت رساندن ۳۰۰ نفر انسان بی‌گناه، حمایت از قاتلان دانشمندان هسته‌ای ما، اعمال بی‌رحمانه‌ترین تحریم‌ها از جمله تحریم‌های دارویی که سبب درد و مرگ صدها کودک پروانه‌ای و سرطانی



برای اختلاط در سلف

آیا حرکات اخیر در دانشگاه‌ها جنبش دانشجویی است؟

● رقیه خادم‌نیا، کارشناسی علوم تربیتی

توهمی را در اذهان عمومی ایجاد می‌کند و این حرکت کم جمعیت دانشجویی را پیروز میدان معرفی می‌نماید.

حرکت دانشجویی شکل گرفته در کشور جنبش دانشجویی نیست. این حرکت بر پایه معیارهای غربی است. همچنین بنا به فرموده رهبری حمایت آمریکا نیز اغماض‌ناپذیر است. این حرکت در مقابل آرمان‌های انقلاب اسلامی و ارزش‌های اسلامی است. مطالبات جنبش دانشجویی شامل مطالبات صنفی یا عمومی، سیاسی، اجتماعی و مطالبات فرهنگی است. بیشترین مطالبه این حرکت در زمینه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. در عین حال هیچ‌کدام از این مطالبات نیست؛ زیرا از لحاظ سیاسی، اجتماعی در توده مردم نفوذ ندارد و در پی اصلاح‌طلبی بر اساس معیارهای غربی است. به لحاظ فرهنگی هم خواستار دنباله‌روی کورکورانه از فرهنگ بیگانه است. هویت و اصالت اسلامی ندارد و باعث فساد اخلاقی و بی بندوباری می‌شود.

به لحاظ آسیب‌شناسی نیز این حرکت هماهنگ با منافع ملی نیست و زمینه‌ساز ناامنی در فضای دانشگاه و جامعه می‌شود. خصیصه دیگر، فقدان اندیشه استراتژی و دکترین است. رهبران این حرکت افراد غیرمتخصص و صرفاً مدعی اعم از کارشناسان حاضر در شبکه‌های فارسی زبان بیگانه، سلب‌ریتی‌ها و منافقین وطن‌فروش هستند. همچنین رویکرد این حرکت دانشجویی خام‌انگارانه، تقابل به جای تعامل است. تمایل بسیار اندکی به گفت‌وگوی مستدل دارند. تنها سلاح آنها شعارهای پوچ است. امروز دانشجویان ناآگاه ابزار دست دشمن برای تخریب ایران زیبا و توانمند شده‌اند. پیروزی باطل بر حق و برجیدن بساط رژیم به حق جمهوری اسلامی، خیال خوشی برای دشمنان است که هرگز به آن نخواهند رسید.

را در تقویم ایران به ثبت رساندند. این نمونه‌ای بی‌نظیر از جنبش دانشجویی در ایران است. دانشجویان در کشور کارهایی به ثمر رساندند که تاریخ‌ساز بود. مصداق آن تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط امام بود. در زمان جنگ تحمیلی نیز دانشجویان از پا نشستند و راهی جبهه‌های نبرد شدند. اینگونه است که جمع کثیری از شهدای دفاع مقدس را افراد دغدغه‌مند دانشگاهی تشکیل می‌دهند. دانشجویان در بسیاری دیگر از اتفاقات و تصمیم‌گیری‌های مهم کشور از جمله انتخابات نیز نقشی مؤثر داشتند. برای مثال بخش اعظم ستاد انتخاباتی آقای هاشمی رفسنجانی را دانشجویان تشکیل می‌دادند. حضور ایشان در دانشگاه صنعتی شریف، غائله کوی دانشگاه تهران در سال ۸۷۳۱ و ماجراهای سال ۸۸۳۱ نشان از نقش مهم دانشجویان در سیاست دارد.

چه شد که جنبش دانشجویی دیروز تا اختلاط در سلف نزول کرده است؟

آنچه که امروز در صحن دانشگاه مشاهده می‌کنیم چیزی جز بی‌احترامی به شعائر دینی، شعارهای جنسی، فحش‌های ناموسی و بی‌حرمتی به خون شهیدانی که برای همین وطن خون خود را تقدیم کردند نیست. اعتراضات دانشجویی در حال حاضر نشانی از جنبش دانشجویی ندارد. دغدغه چنین افرادی دغدغه در حد غریزه است. کسی که اسیر غرائز خویش است، هیچ وقت آزاد نیست و نمی‌تواند طالب آزادی باشد. چنین شعارها و حرکات بی‌شرمانه برای دانشگاه که محل اندیشه‌ورزی است و از آن افراد برجسته‌ای چون دکتر مجید شهریاری، شهید مصطفی احمدی‌روشن، شهید فخری‌زاده و... سر بلند کرده‌اند، ظلم بزرگی است. این کارها گل به خودی است و چهره ایران را زشت می‌سازد. این یعنی خوشحالی دشمن. البته از نقش رسانه نیز نباید غافل بود. ضریب دادن رسانه،

رهبر انقلاب: «خدا لعنت کند آن دست‌هایی را که تلاش کرده‌اند و می‌کنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیر سیاسی کنند.»

دانشجو فریاد بلند جامعه است. اوست که علم مطالبه از دولت و کارگزاران حکومتی را در دست دارد. دانشجوی بیدار و دغدغه‌مند جامعه‌ساز است. صرف درس خواندن شاید بتوان به پیشرفت علمی کشور کمک کرد اما نمی‌توان مسائل درون جامعه را حل کرد. مقام معظم رهبری چه زیبا و صحیح فرموده‌اند: «در محیط دانشگاه بعضی‌ها حوصله حرکت ندارند. می‌گویند بگذار کارهای خود را بکنیم، درس‌مان را بخوانیم، زودتر این ورق پاره را بگیریم و مثلاً دنبال کاری برویم. اینها مشمول بیداری، خیزش و حرکتی که عنوان دانشجویی دارد نیستند.»

جنبش دانشجویی، عنوانی که رسانه‌ها برای اعتراضات اخیر در سطح دانشگاه‌ها به کار می‌برند. جنبش دانشجویی چیست؟ کسانی که از جنبش دانشجویی سخن به میان می‌آورند و با اعتماد به نفس کاذب اعتراضات و اغتشاشات در دانشگاه‌ها را تحلیل می‌کنند، از جنبش دانشجویی چه می‌دانند؟ آیا ایران در هیچ مقطعی از تاریخ شاهد جنبش دانشجویان بوده است؟

جنبش دانشجویی حرکت جمعی از دانشجویان برای دفاع از آرمان‌ها و رسیدن به مطالبات خویش است. مبدأ جنبش‌های دانشجویی به ۶۱ آذر ۲۳۳۱ برمی‌گردد. هرچند پیش از آن نیز ایران شاهد حرکات دانشجویی بود؛ اما نقطه عطف جنبش‌های دانشجویی در این تاریخ است. در این روز بود که دانشجویان غیور و شجاع ایرانی در برابر نیکسون، نایب رئیس جمهوری وقت آمریکا، ایستادند و برای اولین بار شعار مرگ بر آمریکا سر دادند. سه تن از دانشجویان شهید شدند و روز دانشجو

برای تاریخ تکراری

حافظه تاریخی چقدر از بروز بحران جلوگیری می‌کند؟

● سیده رعنا قبله، کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی

پرده اول

فرزندی تیریک بگویم. او از وقتی که خود را شناخت، ارزش‌های اسلامی را شناخت و با تعهد و انگیزه حساب شده وارد میدان مبارزه شد. محمد منتظری در بازجویی‌های ساواک گفته بود: «مقلد روح الله خمینی هستم، نظرم نظر روح الله خمینی است.» اما پدر تا آخر پیرو مکتب استاد خود نماند و حق شاگردی را ادا نکرد.

پرده سوم

۲۶ خرداد ۱۳۸۸ رهبری در دیدار با نمایندگان نامزدهای انتخابات از مودت و وحدت می‌گویند. ایشان ابراز می‌دارند که امروز همه تکلیف داریم از هویت جمعی این کشور و این ملت دفاع کنیم. ایشان از یک جهت مشترک در گرو رضای ولیعصر و هر آنچه موجب رحمت الهی در این کشور می‌شود گفتند. چند صباح بعد از وقایع و فتنه، نوادگان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی با سران فتنه نشست و برخاست می‌کنند و از حصر ناحق دم می‌زنند. از آزادی می‌گویند؛ اما از یادگاری‌ها و خاطرات تلخ ۸۸ هیچ.

پرده آخر

۳۰ آبان ۱۴۰۱ عده‌ای حیران میان مشغله‌ها و دلنگرانی‌ها که درگیر تاریخی تکراری خواهیم شد و یا عبرتی نو؟ آیا تاریخ مردم ایران بار دیگر مقید به تجربه شدن و به تجربه در آمدن خواهد شد؟ حافظه تاریخی ما چقدر از بروز بحران‌های پیش رو جلوگیری خواهد کرد؟

ما بدین در، نه پی حشمت و جاه آمده‌ایم / از بد حادثه اینجا به پناه آمده‌ایم

رهرو منزل عشقیم و ز سر حد عدم / تا به اقلیم وجود، این همه راه آمده‌ایم

هستی.» من چنین امضایی نخواهم کرد.» طناب دار را که به گردن ایشان آویختند، لحظه ای بعد پیکر بی‌جان ایشان در هوا تاب می‌خورد. کارناوال موسیقی شروع به نواختن کرد. پسرش از دور برای او کف می‌زد و می‌رقصید. طوفان از راه رسید. پیکر او را تکان داد. طناب پاره شد و بر زمین افتاد. دور نعش را گرفتند؛ آن‌قدر با قنداقه تفنگ و لگد به نعش شیخ فضل‌الله نوری زدند که خونابه از سر، صورت، دماغ و دهن ایشان روی گونه‌ها و محاسن سرازیر شد. هر کسی با هرچه در دست داشت می‌زد؛ آنهایی که دستشان به نعش نمی‌رسید، تف می‌انداختند. تقی‌زاده خوشحال بود. همان فراماسونی که معتقد بود «باید از فرق سر تا نوک پا غربی شویم»، به هدف خود نزدیک شده بود.

پرده دوم

۷ تیر ۱۳۶۰ در حادثه بمب‌گذاری دفتر حزب جمهوری اسلامی کشته شد. سال‌ها با خلوص برای هدف خود جنگید. مرد عمل بود. مرد میدان بود. پدرش هم همین‌طور. هردو از روحانیون، زندانیان سیاسی و سیاست‌مدارانی بودند که کم برای این انقلاب از جان مایه نگذاشتند. در پی شهادت او روح الله خمینی به پدر گفت: «باید به شما برای تربیت چنین

۹ مرداد ۱۲۸۸ وثوق‌الدوله، تقی‌زاده، حسینقلی خان نواب و شیخ ابراهیم زنجانی و دار و دسته فراماسون‌های دادگاه عالی انقلاب مشروطه حکم را صادر کردند. به شیخ اجازه ندادند نماز عصر را بخواند. وقتی به در نظمی رسید، رو به آسمان کرد و گفت: «افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد» عطا و عباى خود را به میان جمعیت انداخت و روی چهارپایه رفت و قریب ده دقیقه برای مردم صحبت کرد و فرمود: «خدایا! تو خودت شاهد باش که من آنچه را که باید بگویم به این مردم گفتم. خدایا! تو خودت شاهد باش که من برای این مردم به قرآن تو قسم یاد کردم، گفتند قوطی سیگارش بود. خدایا! تو خودت شاهد باش که در این دم آخر باز هم به این مردم می‌گویم که مؤسس این اساس، لامذهبین هستند که مردم را فریب داده‌اند. این اساس مخالف اسلام است. محاکمه من و شما مردم بماند پیش پیغمبر، محمد بن عبدالله(ص).» آن‌گاه عمامه را از سر برداشت و فرمود: «از سر من این عمامه را برداشتند، از سر همه بر خواهند داشت.» نزدیک اعدام یکی از رجال وقت با عجله برای او پیغام آورد که شما این مشروطه را امضا کنید و خود را از کشتن برهانید. او در جواب فرمود: «دیشب رسول خدا را در خواب دیدم، فرمودند: «فردا شب مهمان من



وفاق در ایران از پنجره تاریخ!

● هدیه گیاه تازه، کارشناسی آمار و کاربردها

دقیقا همان چیزی که بیگانه خارجی نمی‌خواهد. ملت ایران در ۶۰ روز گذشته عملا یک تروما را تجربه کرده است. طوریکه گفت‌وگوی ملی ایران به طور کامل مختل شده است. اکنون اما زمان دارد از دست می‌رود. بهتر است فشار را از روی یکدیگر حذف کنیم و سعی در ترمیم ستون فقرات جامعه ایرانی داشته باشیم. راهپیمایی ۱۳ آبان امسال نوعی از این ترمیم است. پشت تیم ملی ایستادن نوعی از این ترمیم است. برای حل مشکلات تلاش کردن نوعی از این ترمیم است. خلاصه کلام آنکه این شاید آخرین فرصت و از قضا مهم‌ترین آن برای یک ترمیم و اصلاح روند است. فرصتی که اگر از دست برود، شاید دیگر جای جبران وجود نخواهد داشت!

به تمدن‌های درخشان ایران نگاه کنید. چه در ایران باستان و چه در تمدن اسلامی زمان صفویه، هیچ کشور خارجی جز برای مبادلات تجاری در ایران حرکت نداشته است. داستان یکپارچه کردن بدنه جامعه نیز در هر دوی این تمدن‌ها حتما به گوش شما خورده است. چه در پادشاهی ایران باستان و چه در زیرکی شاه عباس که با کمک پرتغال، اول انگلیس را بیرون راند و سپس خود پرتغال را از صحنه سیاسی کشور حذف کرد.

از طرفی به جنبش‌های پاک و پرشور تاریخ ایران نگاه کنید. دقیقا در همان نقطه‌ای که دخالت شکل گرفت، یا به کل هدف جنبش به حاشیه رفت یا سرعت آن به قدری کند شد که ره یک شبه را صدساله طی کردیم.

نمونه دخالت بیگانه در بسط‌نشینی مردم در سفارت انگلیس طی انقلاب مشروطه کاملا مشهود و بارز است. کمالینکه دخالت بیگانه می‌تواند یک انقلاب را نابود کند. همانگونه که یک افسر اهل شوروی مجلس ایران را به توپ بست و زحمات بسیار زیاد مردم ایران را بر باد داد.

پس تاریخ مدون ایران نشان می‌دهد که بیگانه در هیچ زمانی توانایی اصلاح کشور نداشته و از قضا دلسوزی هم برای آن در خودش نمی‌دیده است. پس چه باید کرد؟ آیا کورسوی امیدی وجود دارد تا بتوان راه نجاتی یافت؟

پاسخ این مهم در وفاق ملی است. ایرانیان ملتی یک پارچه‌اند که چون عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوها را قرار نمی‌ماند. ملتی اینچنین، تنها یکدیگر را برای نجات دارند.

تاریخ به ما می‌آموزد که هیچ‌کس از تاریخ نمی‌آموزد. این روزها اگر به اتفاقات اخیر دقیق نگاه کنیم، تاریخ صدر انقلاب ایران را به صورت فشرده خواهیم دید. تلاش برای تجزیه‌طلبی، استفاده سیاسی غیرمنصفانه از دانشجویان، جنگ رسانه‌ای و تزریق یأس و ترس دقیقا همان تکرار مکررات تاریخ است. پس دشمن عوض نشده؛ فقط نقاب او شیک‌تر شده است. این دشمنی که از قضا در دشمنی خود نیز هیچ رنجور و خسته نمی‌شود، یک ظالم بزرگ است. هم به موافق حاکمیت ظلم می‌کند و هم به منتقد آن. خوب که دقیق بشویم، می‌بینیم امنیت عامه جامعه را سلب می‌کند. پس به عده کثیری اینگونه ظلم می‌کند. از آن طرف پشت منتقد داخلی پنهان می‌شود و تمام تلاش او را برای اصلاح به حاشیه برده است. به طوری که اگر در اوایل کار با یک اعتراض و گفتمان انتقادی طرف هستیم، در وسط کار با یک آشوب به تمام معنا و در آخر کار با یک جنگ تن به تن داخلی مواجهیم! بنده خدا به خودش می‌آید می‌بیند اصلا نمی‌خواسته اینگونه شود؛ اصلا حرف او این نبوده است. بلکه به او نیز ظلم شده چون اجازه شنیده شدن حرفش به صورت صلح‌آمیز از او گرفته شده است.

به تاریخ ایران نگاه کنید. ایران فقط زمانی توانسته به آن نقطه طلایی تمدنی خود برسد که در کوتاه کردن دست بیگانه از کشور و حفظ استقلال خویش موفق بوده است؛ یعنی به محض اینکه دست خارجی به هر شکلی در اعتراضات مردمی دخالت کرده دچار مشکل شده ایم.



کاپیتولاسیون به شکل‌های مختلف در گذر زمان

● ندا دشت بزرگی، کارشناس حقوق

آقا بختیاری بیاید و حرف‌های خود را به شاه بگویند. گفتن به چیز است و میخ آهنین نرود در سنگ هم یک چیز دیگر. چه زود می‌شود بعد از سخنرانی دربارهٔ منع قانون کاپیتولاسیون به خانهٔ ایشان وارد می‌شوند و شبانه ایشان را بازداشت می‌کنند. بله انگار آمریکا و رابطه با آن از شاه و مقام سلطنت بالاتر است و شاه تمایندۀ اوامر مرکز است. کاپیتولاسیون کار خود را کرده بود به اجرا هم رسیده بود. تصویب و به اجرا در آوردن و فراندوم بازی بود. اصلاً کاپیتولاسیون باشد یا نباشد، تو شعبه‌ای که مرکز بخواهد تو را از بین ببرد، نیست و نابودت کند، تو چه کاره‌ای؟ این قانون برای ایران و تمام کشورهای دوست‌دار آمریکا به اجرا درآمد. تا انقلاب و تا زمان امروز فقط می‌گویند در دوران بینالملل زمانی کاپیتولاسیون بوده و در دنیای روابط

ک داشته است. همان روزی که حتی سکان‌دار کشورهای آنها همه دست نشانده بودند. کشور ما نیز از این لطف سازمان‌های بینالمللی غرب بی‌نتیجه نمانده است. از دوران زند، قاجار و غیره همیشه بحث کاپیتولاسیون شگرد تازه‌ای برای زمینه‌سازی استعمار بوده ولی خیلی از اوقات خواسته و ناخواسته مردم و زندگی آنها را تحت تأثیر قرار داده است. گویا در دوران پهلوی فرق می‌کرد. جنبش مردمی صدای بیدار مردم حضرت روح الله(ره) که تا قبل از این به خود شاه و نوع کارکرد آن و حتی جایگاه بر روی منبر نقد وارد می‌کرد و مردم را به جنبش وا داشته بود. شاه هیچ‌گاه به حضرت روح الله موسوی خمینی، طلبه و استاد حوزه آن زمان، کاری نداشت و تا آنجایی پیش رفت که موافقت کرد نماینده از جانب مردم و حضرت به نام حاج

در دنیای بین الملل کلمهٔ کاپیتولاسیون مدنظر اهالی سیاست خارجه است. کلمه‌ای که سابقهٔ چند صد ساله در سلطهٔ کشورهای غرب بر کشورهای مستعمره دارد. منظور از کشورهای غرب همان‌هایی که شعار آنها خورشید کشور خویش هیچ‌گاه غروب نمی‌کند بود. همان‌هایی که شعار آنها تمام ممالک شرق و غرب در زیر چکمهٔ سربازان است بود. قانون کاپیتولاسیون نیز همان است. تجاوز، تعرض و استعمار را کتوشلوار بپوشانید و آن را روی یکی از صندلی‌های چوبین سازمان ملل بنشانید. سپس برگه‌ای امضا کند به نام قانون کاپیتولاسیون. بعد همان را خیلی متشخصانه لول کند، آن را از لابه‌لای پیچ و خم‌های روابط هویجی سازمان ملل رد کند و با همان قدرت آن برگهٔ لول را در حلق کشور مستعمره فرو کند. دیروز با دوست روابط مشتر



سر دهند و منتظر اعمال دوستی این فرشته نژاد باشند. او با نیروی نظامی خود که سر تا پا مسلح است می‌آید. نجات بدهد یا ندهد، وضع را عوض کند یا نکند، آزادی را بدهد یا نه؛ ولی آمده است دیگر. آمدن او، قانون دارد. اگر شبی یا روزی حتی در ملاءعام نیروی نظامی هوس کرد به ناموس یا به کودک شما هتک کند، تو اجازه اعاده حیثیت نداری. اگر خواست بعد از تمام شدن هرزگی، همان نیرو عودت می‌شود و نیروی دیگری می‌فرستد. او که سیر شد، یکی دیگر می‌آید. آزادی آمد ولی نه برای تو. برای او که تا دیروز سخت بود قواعد اجتماعی را رعایت کنی، حالا قواعد کنیز را نه ببخشید بردگی را باید رعایت کنید. درگوشی می‌گویی بردگی آن هم از نوع جنسی.

مدنظر امر یکا و آنهایی که روزی خواستار دوستی با آمریکا بودند، وارد بلا با آمریکا شدند مثل کره. نیروهای نظامی آمریکا حق دیپلماسی دارند و اگر جرمی مرتکب شوند، دادگاه کره اجازه نداشت که به آن رسیدگی کند. فقط آمریکا اجازه رسیدگی به آن را داشت. در عصر حاضر نیز افغانستان که در آن آمریکا پایگاه نظامی و ارسال نیروی نظامی داشت از مصونیت برخوردار و در امنیت کامل هستند. حتی اگر مرتکب جرمی شوند، کشور پذیرنده حق رسیدگی به آن را ندارد. در حقیقت قانون کاپیتولاسیون از میان برداشته نشد بلکه مانند ابزاری در جیب آمریکا قرار گرفت تا هر کجا که بخواهند در خیابانها و کوچه‌ها به کار گیرند، فریاد مرگ بر دیکتاتور

امروز جایی ندارد؛ اما سؤال اینجاست آیا واقعا در دنیای امروز دیگر وجود ندارد؟ یعنی کشورهای غرب دیگر در روابط با کشورهای ضعیف دیگر به دنبال منفعت خویش نیستند؟ در روابط بین المللی آنچه می‌دهد همان می‌گیرد. دنبال خدایی نیست. یک مقدار باور آن سخت است. هنوز هم است ولی خوب باز شکل عوض کرده است. روابط دیپلماسی و قراردادهای سودآور در برابر بهای اندک منفعت می‌دهد. در معامله بین‌المللی امروز قواعد بر این اساس است. در دیپلماسی نه فقط بر کشور ما بوده بلکه بر تمام کشورهای جهان بوده است و این قانون تا حد زیادی بر کشورهای جهان مورد نظر اعمال می‌شود؛ اما در استعمار نو و بعد از جنگ جهانی دوم کشورهای



انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

@anjoman_islami_alzahra
 @anjomanalzahra

شماره تماس: ۰۹۱۳۹۹۶۸۶۱۱ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: هدیه گیاه تازه

سردبیر: رقیه خادم نیا

هیئت تحریریه: نورگس علینقیان، فاطمه زمانی، رقیه خادم نیا، سیده رعنا قبله، هدیه گیاه تازه، ندا دشت بزرگی
 صفحه آرا: زهرا عسکری حصن